



پزشک بدون مرز



او هفت ساله بود، با خانواده‌اش به فرانسه رفت. کیوان هیچ وقت دوستان آبادانی‌اش را فراموش نکرد. او عاشق ایران بود. در فرانسه درس خواند و پزشک شد. آن وقت تصمیم گرفت به کشورهای دیگر برود و بیماران را درمان کند. یکی از این کشورها ایران بود. ایران، زادگاه دوست داشتنی‌اش!

راحله

زلزله شهر «بم» در سال ۱۳۸۲ یک اتفاق غم‌انگیز بود. آدم‌های زیادی زیر آوار ماندند و کشته شدند. تعداد زخمی‌ها خیلی زیاد بود. دکتر مرزا وقتی خبر زمین لرزه بم را شنید، غمگین شد. از فرانسه به ایران آمد. او به زخمی‌ها کمک کرد. یکی از این زخمی‌ها

می‌خواهم پزشک بشوم!

«دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟» خیلی از بچه‌ها به این سؤال، جواب تکراری می‌دهند. آن‌ها می‌نویسند: «می‌خواهم یک پزشک بشوم!» شاید آن‌ها ندانند چرا می‌خواهند پزشک شوند. کیوان، یکی از بچه‌هایی بود که می‌دانست چرا می‌خواهد این رشته را انتخاب کند! او عاشق پزشکی بود. دوست داشت با این شغل به انسان‌های دیگر کمک کند. می‌پرسید: چطور؟ برای تان می‌گوییم.

پسری از آبادان

«کیوان مرزا» در ۳۱ مرداد ۱۳۳۸ در آبادان به دنیا آمد. آبادان یکی از شهرهای استان خوزستان است. وقتی

قاصدک

شماره ۳۲
۱۶ بهمن
۱۴۰۰

آدم حسابی‌ها

۱۲

